



Institute for Research
& Planning in Higher Education

Higher Education Letter

Print ISSN: 2008-4617



National Organization
for Educational Testing

The Study of Scientific Productions In Philosophy In Humanities And Social Sciences Field Based On The Articles Indexed In The Scopus Database

Abolfazl Asadnia¹, Fezeh Ebrahimi², Fatemeh Makkizadeh³, Oranus Tajedini⁴

1. Assistant professor, Department of knowledge and information science, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran; (Corresponding Author), Email: asadnia@uk.ac.ir
2. Assistant professor, Department of knowledge and information science, Faculty of Education and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran Email: Ebrahimif@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of knowledge and information science, Faculty of Social science, Yazd University, Yazd, Iran. Email: makkizadeh@yahoo.com
4. Associate professor, Department of knowledge and information science, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. Email: tajedini.o@gmail.com.

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Article

Received
Received in revised
form
Accepted
Published online

Objective: This research was done with the aim of achieving a comprehensive understanding of the process and thematic structure of articles in the field of philosophy in Humanities and social sciences.

Methods: The current research is descriptive with a Scientometric approach that analyzes the content of texts using the co-occurrence of words and social network analysis. The statistical population includes articles in the field of philosophy under the subject of Humanities and social sciences have been published in Scopus until 31/12/2022. R bibliometrix package was used for data analysis and scientific map drawing.

Results: Studies in the field of philosophy are divided into four clusters "Science and religion", " Pragmatism and naturalism ", " Philosophy and theory of education " and " Phenomenology and Hermeneutics " in Humanities and social sciences.

Conclusion: The analysis of issues related to the degrees of philosophy of humanities and social sciences, scientific advances and scientific cooperation trends in this field are highlighted and this can will help the policy makers and researchers to take steps in addition to understanding the current state of philosophical research towards predicting and knowing the future.

Keywords: Philosophy, humanities, social sciences, Scientometrics

Cite this article: asadnia, Abolfazl; Ebrahimi, Fezeh; Makkizadeh, Fatemeh; Tajedini, Oranus (2024). The Study of scientific productions in philosophy in humanities and social sciences field based on the articles indexed in the Scopus database *Higher Education Letter*, 17 (68):52-70 pages. DOI: 10.22034/hel.2024.2015066.1927

© The Author(s).



Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing

بررسی تولیدات علمی حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی بر اساس مقالات نمایه شده در پایگاه اسکوپوس

ابوالفضل اسدنیاء^۱، فضا ابراهیمی^۲، فاطمه مکی زاده^۳، اورانوس تاج الدینی^۴

۱. استادیار، بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: asadnia@uk.ac.ir
 ۲. استادیار، بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: Ebrahimif@yahoo.com
 ۳. دانشیار، بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: makkizadeh@yahoo.com
 ۴. دانشیار، بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. tajedini.o@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: پژوهش حاضر با هدف رسیدن به درک جامعی از روند و ساختار موضوعی مقالات حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی انجام شده است.
دریافت: اصلاح: پذیرش: انتشار:	روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی با رویکرد علم‌سنجی که به تحلیل محتوای متون با استفاده از هم‌رخدادی واژگان و تحلیل شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. جامعه پژوهش حاضر شامل مقالات حوزه فلسفه در زیر موضوع علوم انسانی و اجتماعی در بازه زمانی ۱۸۸۴ تا ۲۰۲۲ میلادی پایگاه اسکوپوس که تا تاریخ ۲۰۲۲/۱۲/۳۱ منتشر شده بودند. نهایتاً ۱۸۱۳۸ مقاله به منظور ترسیم جامعی از ساختار فکری دانش در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه علمی از بسته R bibliometrix بهره گرفته شد. یافته‌ها: پژوهش‌های حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی منجر به شکل‌گیری ۴ خوشه «دین و علم» و «عمل‌گرایی و طبیعت‌گرایی»، «فلسفه و نظریه‌تعلیم و تربیت» و «پدیدارشناسی و هرمنوتیک» شد. نتیجه‌گیری: تحلیل موضوعات مربوط به مدارک حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، پیشرفت‌های علمی و روندهای همکاری علمی این حوزه برجسته می‌شود و این می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا علاوه بر درک وضعیت فعلی تحقیقات فلسفی نسبت به پیش‌بینی و شناخت آینده نیز گام‌هایی بردارند. کلیدواژه‌ها: فلسفه، علوم انسانی، علوم اجتماعی، علم‌سنجی.

مقدمه

علوم انسانی و اجتماعی، علمی هستند که درباره کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند. به عبارت دیگر، علوم انسانی علمی محسوب می‌شوند که انسان در آن‌ها از لحاظ حیات درونی و روابطش با دیگران بررسی می‌شود. این علوم به نحو روشمند عهده‌دار توصیف، تبیین، پیش بینی و کنترل کنش‌های فرد و اجتماع انسانی است (هادوی نیا و علی تبار، ۱۳۹۰، ۴۹۰). مهم‌ترین ویژگی این گونه مطالعات پیچیدگی، چندوجهی و چندتباری بودن موضوعاتی است که با تکیه به این روش مطالعاتی باید بررسی شود؛ زیرا انسان و کنش‌های وی به مثابه موضوع علوم انسانی و اجتماعی از پیچیدگی بالایی برخوردار است، به نحوی که هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند تفسیر و تبیین نیست (الکسیس^۱، ۱۳۸۴، ۲۷).

گسترده‌گی موضوعی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی (رهادوست، ۱۳۸۶، ۶) و توانایی رشته فلسفه در پاسخ به مسائل بنیادی باعث شده تا مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی تنوع و وسعت بسیاری داشته باشد. اما رشد و توسعه این دانش، خود مستلزم سیاستگذاری است و این به نوبه خود نیازمند شناخت دقیق وضعیت موجود در این حوزه است. شناخت توانمندی‌ها و کاستی‌ها در حوزه‌های دانشی، می‌تواند برای سیاستگذاران و کاربران بسیار راهگشا باشد و علت برهی از وقایع و نواقص را روشن سازد. حدود ۴۰ سال پیش «پرایس^۲» مطالعه علوم را با استفاده از روش‌های علمی پیشنهاد کرد از آن زمان در پژوهش‌های علم‌سنجی فنون مختلفی برای تحلیل داده‌های مربوط به انتشارات گسترش یافته است. مدارک علمی یکی از مهم‌ترین و بهترین راه‌های اطلاع از آخرین پژوهش‌ها و یافته‌های هر حوزه علمی است (ابراهیمی، ۱۳۹۳).

یکی از راه‌های برنامه ریزی و استفاده بهینه از منابع جامعه، داشتن نگاهی جامع و شناسایی زمینه‌های پژوهشی فعال در این حوزه است تا در پرتو آن بتوان دانش و بینش جدیدی که بدست می‌آید را از این طریق به محققین و مدیران علمی ارائه کرد. مطالعات علم‌سنجی در این زمینه می‌توانند یاری‌گر باشند. از این مطالعات می‌توان جهت آشکار ساختن سنت‌های فکری در یک حوزه و ردیابی آن در طول زمان استفاده کرد (وگل و گوتل^۳، ۲۰۱۳). علم‌سنجی به عنوان رشته‌ای که بخش اعظمی از مطالعات آن کاملاً میان رشته‌ای و هدف آن سنجش و ارزیابی علوم است، از این قابلیت برخوردار است که گسترده‌گی فعالیت‌ها، چگالی آن‌ها در رشته‌های مختلف و مسائل و موضوعات مغفول بر زمین مانده را مشخص کند.

متخصصان مطالعات سنجش علم از روش‌ها و فنون مختلفی ساختار دانش را در قلمروهای موضوعی گوناگون مطالعه و پایش می‌کنند که هر یک از این روش‌های بکار رفته اطلاعات جدید و متفاوتی درباره حوزه‌های موضوعی مورد بررسی در اختیار قرار می‌دهند. در این پژوهش به مطالعه محتوایی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی، با بررسی موضوعات اصلی موردنظر در پژوهش‌ها و مطالعه روابط موضوعی آن‌ها به روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان می‌پردازد. ایده «تحلیل هم‌رخدادی واژگان» که در سال ۱۹۸۳ توسط کالون و همکاران مطرح شد این بود که «با هم بودن واژگان» در یک مدرک، نشان دهنده محتوای آن مدرک است. لذا اگر میزان این هم‌رخدادی را اندازه‌گیری کنیم، می‌توانیم شبکه مفاهیم یک زمینه علمی را ترسیم کنیم. در این روش مهم‌ترین کلمات یا کلمات کلیدی مدارک برای مطالعه ساختار مفهومی یک حوزه دانش استفاده می‌شود. بر اساس روش تجزیه و تحلیل هم‌رخدادی واژگان، می‌توان موضوعات علمی را استخراج و ارتباط میان آن‌ها را به صورت مستقیم از محتوای موضوعی کشف کرد (کالون، کورتیال، ترنر و بایوین^۴، ۱۹۸۳). هدف اصلی این روش، شناسایی اصطلاحاتی است که نقشه علم و موضوع‌های اصلی حوزه‌های دانش را نمایش دهد.

در تحلیل واژگان، همانطور که از نام آن مشخص است، به تجزیه و تحلیل واژگان و کلمات کلیدی یک موضوع خاص در زمان‌های مختلف پرداخته می‌شود و همچنین به وسیله برخی نرم افزارها، روابط و اشتراک آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (جین، ژو و هانگ^۵، ۲۰۱۹). در این روش ارتباط میان کلیدواژه‌های به‌کاررفته در عنوان، چکیده، کلیدواژه و مانند آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دنبال روش هم‌واژگانی با استفاده

1. Alexis

2. Price

3. Vogel & Güttel

4. Callon, Courtial, Turner & Bauin

5. Jin, Zuo & Hong

از روش‌های دیداری‌سازی (خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی، نمودار راهبردی و نقشه‌های اجتماعی) به ترتیب ساختار موضوعی، اهمیت موضوعات و روابط درونی بین خوشه‌ها تفسیر می‌شود (یانگ، وو و سوئی، ۲۰۱۲). تاکنون پژوهشی که به طور خاص به تحلیل حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی پرداخته باشد، یافت نشد. لذا، بررسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، توصیف چگونگی پژوهش‌ها، گرایش‌های موضوعی و پژوهشی، خلاءهای موجود را شناسایی می‌کند و باعث ارتقای پژوهش‌های پیش رو، آسیب‌شناسی و ممانعت از موازی‌کاری در تحقیقات آینده خواهد شد. همچنین تلفیق نتایج پژوهشی و دستیابی به نتایجی مشترک نیز در ارائه راهبردهایی در حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی مؤثر است و این امر از یک سو درک و فهم حقیقی مشکلات اساسی را میسر می‌کند و از سوی دیگر پژوهشگران را یاری می‌نماید تا با دقت نظر و تیز بینی، ضمن داشتن پایه‌های نظری محکم و علمی، اطلاعات پژوهشی را بررسی نمایند. بنابراین لازم است که جهت بهره‌وری بیشتر از قابلیت‌های پژوهشی و همچنین ارائه پیشنهادهایی به منظور کمک به مدیران در سیاست‌گذاری علمی در حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی، تصویری از ساختار علمی این حوزه مشخص شود. با توجه به این پیش فرض که متون موضوعی هر حوزه بازتاب محتوای آن حوزه است و این که الگوهای محتوای به کار رفته در متون یک حوزه می‌توانند منبعی برای شناسایی روابط آن رشته با سایر حوزه‌ها باشند، پژوهش حاضر در نظر دارد زمینه‌های موضوعی اصلی حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی را به کمک روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان شناسایی کند و خوشه‌های موضوعی آن را ارائه نماید. به عبارت دیگر، هدف اصلی پاسخ به این سؤال است که ساختار موضوعی مقالات مرتبط با حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی چیست؟ بنابراین پژوهش حاضر تلاش دارد تا یافته‌های علم‌سنجی خود را حول محور سوالات ذیل مد نظر قرار دهد:

۱. روند رشد تولیدات علمی فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی در بازه زمانی ۱۸۸۴ تا ۲۰۲۲ چگونه است؟
۲. نشریات برتر در حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی کدام است؟
۳. پر تولیدترین پژوهشگران حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی از نظر شاخص‌های علمی‌سنجی چه کسانی هستند؟
۴. پژوهشگران کدام کشورها و سازمان‌های علمی بیشترین همکاری علمی را در تولیدات علمی فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی داشته‌اند؟
۵. روند موضوعی و کلمات کلیدی پژوهش‌های فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی بین بازه زمانی ۱۸۸۴ تا ۲۰۲۲ چگونه است؟
۶. ساختار پژوهش‌های حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی با استفاده از خوشه‌بندی و نمودار راهبردی چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رابطه فلسفه با علوم مختلف را از دو جنبه طولی و عرضی می‌توان بررسی کرد (برزگر، ۱۳۸۶، ۳۵). رابطه میان فلسفه و رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز از طریق همین دو جنبه قابل بررسی است. مثلاً از دیدگاه طولی به این امر پرداخته می‌شود که فلسفه در طول تاریخ چه اثری بر رشته‌های علوم انسانی داشته است؟ چگونه در زمان‌های مختلف نسبت به تجزیه و تحلیل مسائل مرتبط با رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی پرداخته و برای پیشرفت این رشته‌ها چه اندیشه‌های نوینی عرضه داشته است؟ از دیدگاه عرضی مطالعه رابطه فلسفه و علوم انسانی و اجتماعی را تنها می‌توان از طریق مقایسه این علوم به معنای اخص کلمه و فلسفه انجام داد و به جایگاه این علوم در میان سایر علوم و فلسفه آن‌ها پی برد (اسدینیا و چشمه سهرابی، ۱۳۹۹، ۷۸). این دسته از مطالعات گاه چنان رشد می‌کنند که خود تبدیل به یک رشته علمی می‌شوند، مانند رشته فلسفه تعلیم و تربیت که خود مصداق مطالعات میان رشته‌ای و گونه میان‌رشته‌ای است (خرسندی طاسکوه، ۱۳۸۷).

علوم انسانی و اجتماعی بر خلاف علوم فیزیکی و زیستی دارای دو وجهند: وجه علمی و وجه تکنولوژیک. این دو وجهه از یکدیگر متمایزند و نباید با هم خلط شوند. وجه علمی علوم انسانی در جستجوی شناخت واقعیت است (منصوری و پایا، ۱۳۹۸). یکی از اهداف وجه علمی پاسخ به سؤالاتی در ارتباط با هویت، هدف و کارکرد این علوم است، اما پاسخ به این سؤالات بدون آگاهی از تاریخ علوم انسانی و اجتماعی غیر ممکن است و نمی‌توان فلسفه وجودی واقعیتی را که هرگز تاریخ مشخص و مدونی ندارد را تعیین کرد (فدایی عراقی، ۱۳۸۷، ۵). در ارتباط با تعریف علوم

1. Yang, Wu and Cui

انسانی اختلاف نظرهای فراوانی است ولیکن مراد ما در این پژوهش از علوم انسانی، علمی است که موضوع آنها با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید و علوم غیر از علوم انسانی نیز دانش‌هایی هستند که موضوعشان مستقل از آگاهی و اراده انسان در خارج وجود دارند (پارسا، ۱۳۹۱، ۹۷). بحث تاریخی اگرچه به ما در شناخت ریشه‌ها کمک می‌کند ولیکن به تنهایی کمک چندانی برای برنامه‌ریزی‌های آینده نمی‌تواند بکند، چرا که آمادگی برای آینده مستلزم شناخت توامان گذشته و درک زمان حال است. از این رو علم‌سنجی به ما در شناخت و درک زمان حال کمک می‌کند. نالیموف و مولچنکو^۱ (۱۹۷۱) که اولین بار واژه علم‌سنجی را بکار بردن آن را کاربرد روش‌های کمی تحقیق در مورد توسعه علم به عنوان یک فرآیند اطلاعاتی تعریف کردند. آنچه علم‌سنجی و علم را پیوند می‌زند، این است که دانش علمی در نتیجه مفاهیم و روابطی تجسم یافته است که در قالب مقالات پژوهشی، کتاب‌ها، پروانه‌های ثبت اختراع، نرم افزارها و سایر مصنوعات علمی شکل گرفته و در قالب رشته‌های علمی و حوزه‌های گسترده‌تر نمود یافته‌اند. این باعث می‌شود که علم را بتوان با توجه به میزان انتشارات و بهره‌گیری از منابع علمی و فنی اندازه‌گیری کرد و سنجید. همچنین با توجه به مفاهیم و محتوای این منابع می‌توان به مطالعه موضوعی علم از طریق روش‌های اندازه‌گیری و سنجشی پرداخت. مطالعات علم‌سنجی به ما در ارزیابی دامنه و پیشرفت تحقیقات علمی کمک می‌کند و همچنین راهنمایی به منظور ارزیابی استانداردها و برتری بهره‌وری علمی است (وانی و زینب^۲، ۲۰۱۷، ۲۷۴).

از مزایای روش علم‌سنجی میتوان به شناسایی موضوعات در حال ظهور و یافتن روندهای حیاتی و نقاط محوری در یک ساختار دانش اشاره کرد. در مقایسه با روش کیفی سنتی، این نوع به تصویر کشیدن یک مقوله دانشی می‌تواند با تکیه بر نتایج تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و منطقی‌تر، بار شناختی کاربران را کاهش دهد. روش علم‌سنجی با ایجاد شفافیت در دیدگاه کل نگرانه ادبیات یک زمینه تحقیقاتی، می‌تواند پشتیبانی مؤثری برای محققان آن حوزه فراهم کند. بنابراین، این روش برای کاوش در توسعه علمی و تولیدات پژوهشی در یک زمینه خاص مناسب است. محبوبیت روش‌های علم‌سنجی در منسجم سازی دانش سبب شده است تا مطالعات کمی علم‌سنجی در تجزیه و تحلیل ادبیات پژوهشی حوزه‌های مختلف علمی به سرعت توسعه یابد (گائو و همکاران، ۲۰۱۸). در ادامه به بعضی از مطالعات موجود اشاره می‌شود.

صادقی و نظری (۱۳۹۸) «فلسفه آموزش مطالعات اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها که با روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای حاصل شد حاکی از این امر بود که مکاتب و اندیشه‌های فکری و فلسفی مختلف برای امور گوناگون از جمله در حوزه علوم، رویکردها و گرایش‌های خاصی را قائل هستند. از این روی معیارهای نظام علمی، اخلاقی و ارزشی خاص خود را دارند. در نظام تعلیم و تربیت ایران بر اساس مکتب فکری و فلسفه اسلامی اهداف آموزش مطالعات اجتماعی در شش ساحت اعتقادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیبایی شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناوری تعریف و مشخص شده است.

هادوی‌نیا و علی تبار (۱۳۹۹) اصلی‌ترین مسئله مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی را مبانی بینشی و فلسفی حاکم بر این گونه مطالعات می‌دانند. لذا آن‌ها در مقاله خود با عنوان «مبانی فلسفه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی با تأکید بر مکتب صدرایی» به این مسئله پرداختند. آن‌ها با روش تحلیلی و فلسفی ضمن معرفی مطالعات میان رشته‌ای و تفاوت آن با دیگر روش‌های مطالعاتی ابتدا به نقش فلسفه در برخی رشته‌های میان رشته‌ای پرداخته و سپس مبانی صدرایی را در مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی را نشان دادند. مطالعه آن‌ها تأییدی بر قابلیت نظام فلسفی صدرایی به مثابه چارچوبی نظری برای پشتیبانی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی است.

گوترز-روبیو و همکاران^۳ (۲۰۱۹) نشریه فلسفه آموزش را مورد تحلیل علم‌سنجی قرار دادند. هدف اصلی آنها بررسی همکاری بین نویسندگان، کشورها و توزیع جنسیتی نویسندگان مقالات این نشریه بود. یافته‌های آنها حاکی از مشارکت پایین نویسندگان مقالات این نشریه در مقایسه با سایر نشریات حوزه علوم اجتماعی بود. همکاری نویسندگان بر اساس کشور نشان داد که بیشترین همکاری با نویسندگان کشور انگلستان صورت گرفته است و در طی سال‌های اخیر تعداد نویسندگان افزایش یافته و نکته جالب این‌که سطوح بالاتری از همکاری هنگامی که یکی از نویسندگان زن بود، مشاهده شد.

1. Nalimov & Mul'chenko

2. Wani and Zainab

3. Gutiérrez-Rubio and et al

سوفیان، عبدالله و حفیر^۱ (۲۰۲۲) با استفاده از روش علم سنجی روند انتشارات حوزه فلسفه ورزش را مورد بررسی قرار دادند. مطالعه آنها نشان داد از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۲۱ در مجموع ۱۱۰۳ رکورد در این زمینه منتشر شده بود. انتشارات این حوزه یک روند نوسانی را تجربه کرده و از سال ۲۰۱۶ انتشارات این حوزه دو رقمی و به ۷۱ رکورد در سال رسیده است و کشور آمریکا با ۲۲۶ اثر پربازده ترین کشور شناخته شد. ریال. ای^۲ از دانشگاه گلاسترشایر^۳ انگلستان پرکارترین نویسنده و بخش فلسفه از کشور آمریکا با ۳۹ رکورد پیشگام این حوزه بودند. ضرورت استفاده از یک روش علمی با قواعد و اصول علمی پذیرفته شده در جهت سیاستگذاری‌های علمی سبب حرکت پژوهشگران و مدیران علمی به سمت پژوهش‌های علم‌سنجی شد، اما آنچه مرور پیشینه‌های موجود نشان داد جزء یک پژوهش که به بررسی مطالعات فلسفی در علوم ورزشی پرداخته، مطالعه علم‌سنجی دیگری در این زمینه یافت نشد و دیگر پژوهش‌های این حوزه رویکرد کتابخانه‌ای و تحلیلی-تفسیری بیشتر داشته‌اند.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که به تحلیل محتوای متون با رویکرد علم سنجی می‌پردازد. در این مطالعه چندین تکنیک علم سنجی مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از: ۱: تجزیه و تحلیل کشورها؛ که شامل وضعیت انتشار در کشورهای مختلف در یک زمینه تحقیقاتی و بررسی هم زمانی کشورها در بررسی‌ها است. ۲: تجزیه و تحلیل نویسندگان؛ مشارکت نویسندگان مختلف را نشان داده و تاریخ شبکه ارتباطات هم نویسندگی آنها را ترسیم می‌کند. ۳: تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی؛ از این طریق، کلمات کلیدی که نشان دهنده تمرکز اصلی در یک حوزه تحقیقاتی است را با تجزیه و تحلیل هم واژگانی منعکس می‌نماید و ۴: تجزیه و تحلیل خوشه؛ برای شناسایی نتایج کلیدی این تجزیه و تحلیل باید بر اساس نتایج روش قبلی باشد، لذا از پیوندهای موضوعی و وضعیت ذکر شده، خوشه‌ها را برای نشان دادن موضوعات کلیدی در زمینه مورد نظر نمایش می‌دهد (لین و سو^۴، ۲۰۲۰).

متون مورد تحلیل شامل تمامی مقالات حوزه فلسفه (۲۵۱۸۲۸) است که در بازه زمانی ۱۸۸۴ تا ۲۰۲۲ میلادی در پایگاه اسکوپوس توسط پژوهشگران تا تاریخ ۲۰۲۲/۱۲/۳۱ منتشر شده است. اسکوپوس با پوشش ۲۴۰ رشته علمی، گسترده‌ترین پوشش را نسبت به دیگر پایگاه‌های استنادی و میان رشته‌ای دارد (الزویبر، ۲۰۲۳). الزویبر در سال ۲۰۰۴، اسکوپوس را به عنوان یک ابزار جستجو و کشف جدید راه اندازی کرد. اسکوپوس یک پایگاه داده انتزاعی و استنادی است که از محتوای علمی تشکیل شده است. در زمان راه اندازی، حاوی حدود ۲۷ میلیون رکورد انتشار بود (۱۹۶۶-۲۰۰۴). از آن زمان، محتوای پایگاه داده در زمان نگارش به بیش از ۷۶ میلیون رکورد افزایش یافته است، که انتشارات ۱۷۸۸-۲۰۱۹ را پوشش می‌دهد، و آن را در میان بزرگترین پایگاه‌های اطلاعاتی انتزاعی کتابشناختی و استنادی امروزی قرار می‌دهد. هر سال تقریباً ۳ میلیون مورد جدید اضافه می‌شود. محتوای موجود در اسکوپوس از بیش از ۳۹۱۰۰ عنوان سریال (با جدیدترین محتوای منتشر شده نمایه شده از بیش از ۲۴۵۰۰ عنوان)، ۱۲۰۰۰۰ کنفرانس و ۲۰۶۰۰۰ کتاب از بیش از ۵۰۰۰ ناشر مختلف در سراسر جهان تهیه شده است (باس و همکاران^۵، ۲۰۲۰).

با توجه به انواع جستجو در اسکوپوس در این پژوهش از جستوی کلید واژه استفاده شده و بعد از اعمال محدودیت‌های مقاله، زبان انگلیسی و طبقه بندی اسکوپوس در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی، نهایتاً ۱۸۱۳۸ مقاله به منظور ترسیم جامعی از ساختار فکری دانش در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی بر اساس استراتژی جستجوی ذیل مورد استفاده قرار گرفت:

TITLE-ABS-KEY(philosophy) AND (LIMIT-TO (DOCTYPE,"ar")) AND (LIMIT-TO (LANGUAGE,"English")) AND (LIMIT-TO (SUBJAREA,"ARTS")) AND (LIMIT-TO (SUBJAREA,"SOCI"))

1. Sofyan, Abdullah & Hafiar

2. Ryall, E

3. University of Gloucestershire

4 Lin , Su

5. Baas and et al

با توجه به روش پژوهش، ابتدا کلیدواژه‌های به دست آمده از مدارک با استفاده قابلیت نرم افزار مورد استفاده در پژوهش یکدست‌سازی شد. از آنجاکه برخی واژه‌ها یا عبارات ممکن است به شکل‌های مختلف نوشته شده باشند یا مترادف باشند، اقدام به ویرایش، اصلاح، حذف و یکدست‌سازی واژگان مستخرج از مدارک گردید. به عنوان مثال موارد مفرد و جمع واژه‌ها به یک حالت تبدیل شدند. همچنین کلیدواژه *philosophy* که ناظر بر عام بود، از مطالعه خارج شد. در مرحله بعد، پس از چند مرحله بررسی و آزمون و خطا با قراردادن آستانه شمول بر روی واژگان کلیدی که حداقل ۷۵ بار تکرار شده‌اند، تعداد ۵۱ واژه پرتکرار شناسایی و در تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. این کلید واژه‌ها به عنوان مفاهیم اصلی انتخاب گردید که منبای تجزیه و تحلیل‌های بعدی در پژوهش حاضر بود. با شناسایی موضوعات پایه (کلید واژگان)، ماتریس هم‌رخدادی تهیه شد. این ماتریس، مربعی است که تعداد سطرها و ستون‌های آن، برابر تعداد مفاهیم منتخب است و هر درایه آن، نشان‌دهنده تعداد دفعاتی است که دو کلیدواژه مربوط به سطر و ستون با هم در یک مدرک آمده‌اند. لذا، این ماتریس یک ماتریس متقارن است. درایه‌های روی قطر اصلی ماتریس هم‌رخدادی، تعداد کل تکرار آن کلیدواژه در کل مدارک است. بعد از این مرحله نمودار سلسله مراتبی روابط موضوعی کلیدواژه‌ها ترسیم شد. نمودار سلسله مراتبی یکی از روش‌های مناسب برای نمایش روابط میان موضوعات یا رده‌های از پیش تعیین شده است. در این روش، مانند یک درخت، هر شاخه کوچک‌تر جزئی از یک شاخه بزرگ‌تر است و نهایتاً، همه شاخه‌ها به صورت سلسله مراتبی به تنه درخت وصل می‌شوند. مزیت روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی این است که از طریق آن می‌توان رابطه سلسله مراتبی بین اشیاء را کشف کرد و همچنین راحت‌تر می‌توان میزان شباهت بین اشیاء را به صورت تصویری دید.

به منظور تهیه نقشه همکاری کشورها، سازمان‌ها از از فن تحلیل شبکه‌های اجتماعی استفاده شد. شبکه اجتماعی مجموعه‌ای از الگوریتم‌های ریاضی است که در فرایند دیداری سازی ارتباطات بین موجودیت‌ها از آن استفاده می‌شود. این موجودیت‌ها می‌توانند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و هر موجودیت دارای دانش یا اطلاعات باشد. این موجودیت‌ها در شبکه گره نامیده می‌شوند و ارتباطات بین آنها که پیوند نام دارد از طریق رسم خطوط بین گره‌ها نشان داده می‌شود (کنستانتین^۱، ۲۰۱۴). تمامی فرآیندهایی که در بالا به آن اشاره شد با استفاده از امکانات نرم افزار *R* بسته *bibliometrix* بهره گرفته شد. بسته *bibliometrix* ابزاری منحصر به فرد، منبع باز برای محاسبات آماری و زبان گرافیکی *R*، بر اساس یک گردش کار منطقی کتاب‌سنجی توسعه یافته است. *R* بسیار توسعه پذیر است زیرا یک زبان برنامه نویسی شی گرا و کاربردی است، بر این اساس خودکار کردن تجزیه و تحلیل‌ها و ایجاد توابع جدید در آن بسیار آسان است. انعطاف پذیر بودن آن سبب می‌شود تا به سرعت ارتقاء یابد و می‌توان با سایر بسته‌های آماری *R* ادغام شود. به همین دلیل، در علم دائماً در حال تغییر علم‌سنجی مفید است (آریان و کوکورولا^۲، ۲۰۱۷). این نرم افزار قابلیت تحلیل و بررسی مجموعه داده‌ای مختلف مانند مقالات، ارجاعات، مؤلفه‌های محتوایی را دارد.

یافته‌ها

جدول ۱. اطلاعات توصیفی و محتوایی مدارک بررسی شده فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

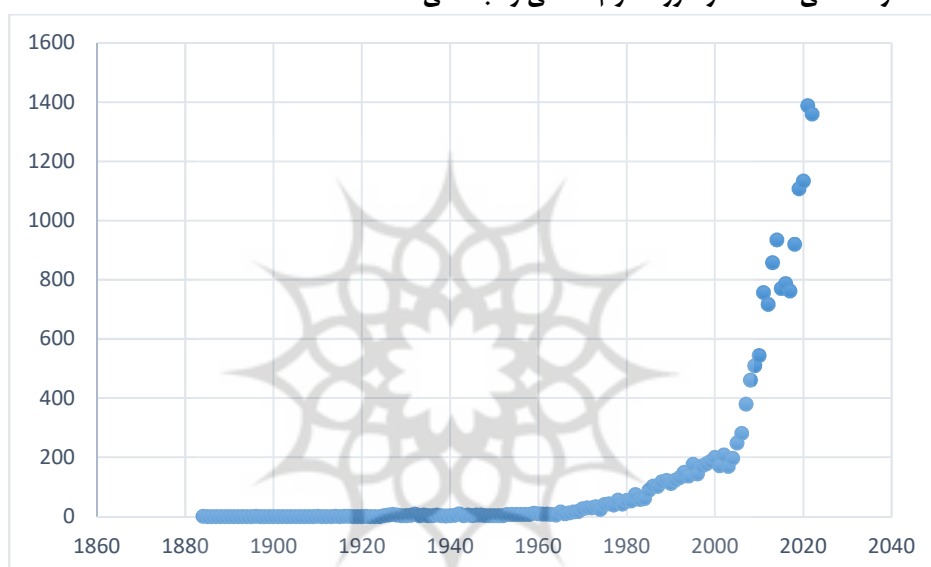
نتایج	توصیف
	اطلاعات اصلی در ارتباط با داده‌ها
۱۸۸۴:۲۰۲۲	دوره زمانی جستجو
۱۷۷۷	منابع شامل کتاب، مجله و غیره
۱۸۱۳۸	مدارک
۵/۳۷	درصد نرخ رشد سالیانه
۱۳/۳	متوسط نرخ عمر مدارک
۸/۵۸۴	میانگین استناد به هر مدرک
	نویسندگان
۱۹۰۹۶	نویسندگان

1. Constantine
2. Aria & Cuccurullo

۱۲۱۲۲	نویسندگان با یک مدرک
همکاری بین نویسندگان	
۱/۳۱	همکاری نویسندگان در هر مقاله
۵/۲۲۳	درصد همکاری بین المللی نویسندگان

اطلاعات توصیفی داده‌های پژوهش در جدول (۱) نشان داده شده است. همانطور که در جدول نیز قابل مشاهده است، ۱۸۱۳۸ مدرک از ۱۷۷۷ منبع علمی شامل مجلات، کتاب و غیره در پایگاه اسکوپوس در سال‌های ۱۸۸۴ تا ۲۰۲۲ در موضوع فلسفه در زیرگروه هنر و علوم انسانی نمایه شده است. نرخ رشد سالانه مدارک برابر با ۵/۳۷ و میانگین سن هر مدرک برابر با ۱۳/۳، که به طور متوسط به هر مدرک ۸/۵۸۴ استناد داده شده است. در این مدارک ۱۹۰۹۶ نویسنده مشارکت داشته‌اند که ۱۲۱۲۲ نویسنده تنها یک مقاله داشتند. به طور متوسط در هر مقاله ۱/۳۱ نویسنده مشارکت داشته و نرخ همکاری بین المللی در تدوین مدارک ۵/۲۲۳ است.

روند رشد سالانه مدارک علمی فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی



شکل ۱. روند رشد مدارک فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی (۱۸۸۴-۲۰۲۲)

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد، روند رشد مدارک فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، در پایگاه اسکوپوس در فاصله سال‌های ۱۸۸۴ تا ساله ۲۰۲۲ به طور کلی سیر صعودی داشته است. اما بیشترین افزایش در مدارک منتشر شده در دو دهه گذشته رخ داده است (شکل ۱). اولین مدرک در این حوزه مربوط به سال‌های پس از ۱۸۸۴ میلادی است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد. هر چند اولین روند رشد از ۱۹۷۰ به بعد رخ داده ولیکن توجه پژوهشگران به حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی از سال ۲۰۱۹ (با ۴۰۰ مقاله) افزایش یافته است. سهم سال‌های ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب ۳۵۰، ۳۸۰ و ۵۰۰ مدرک است.

نشریات برتر فلسفه علوم انسانی و اجتماعی

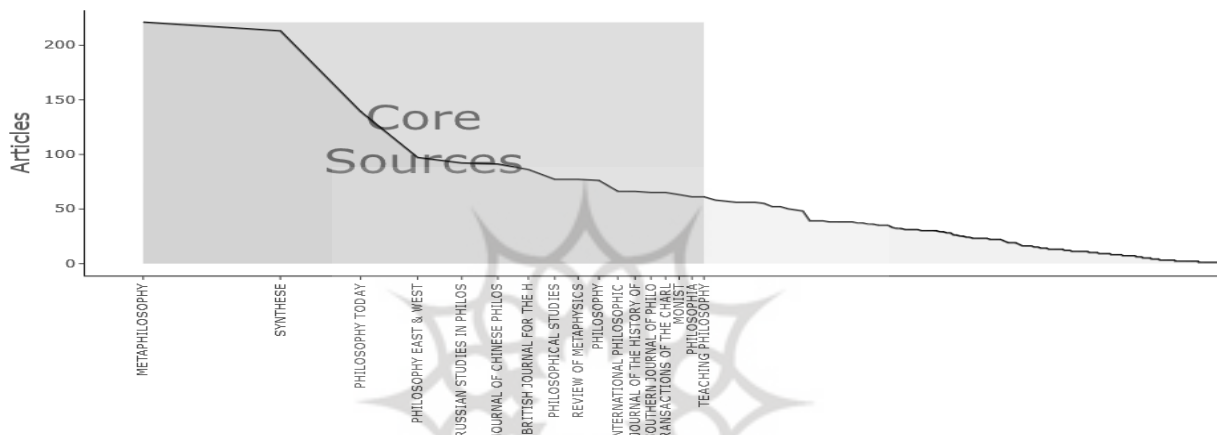
جدول ۲. مجلات برتر فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

نام نشریه	تعداد مقاله
SYNTHESE	۹۰۷
EDUCATIONAL PHILOSOPHY AND THEORY	۸۵۶
JOURNAL OF PHILOSOPHY OF EDUCATION	۵۳۹
STUDIES IN PHILOSOPHY AND EDUCATION	۲۸۱

TEACHING PHILOSOPHY	۲۷۳
JOURNAL OF MEDICAL ETHICS	۲۵۰
JOURNAL OF BUSINESS ETHICS	۲۴۴
HISTORY OF EUROPEAN IDEAS	۲۲۵
STUDIES IN EAST EUROPEAN THOUGHT	۲۰۸
SOCIAL SCIENCE AND MEDICINE	۱۹۴

یافته ها نشان داد سه نشریه «سنتز»، «فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت» و «فلسفه تعلیم و تربیت» بیشترین تعداد مقاله را در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی دارند (جدول ۲)

تعیین مجلات هسته فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

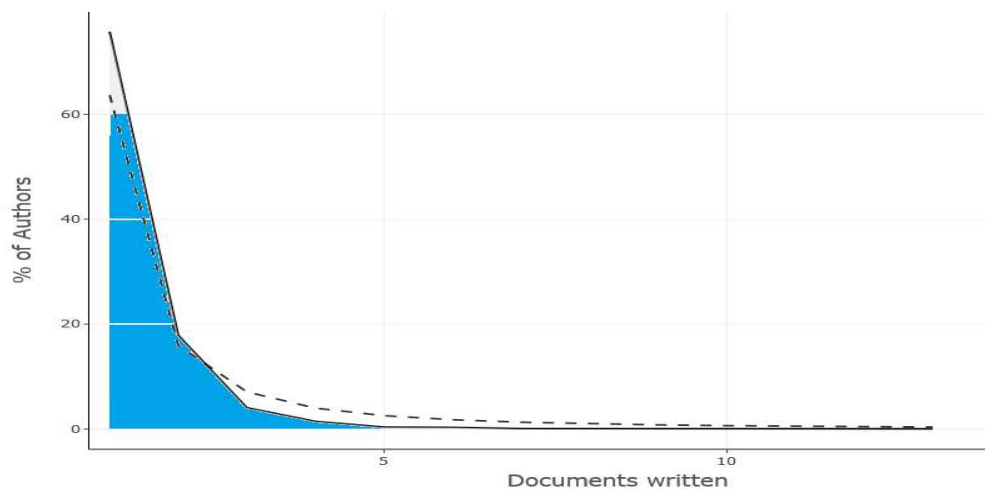


شکل ۲. توزیع مجلات هسته فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بر اساس قانون برادفورد

در این پژوهش تجزیه و تحلیل کتاب سنجی ضرایب قانون برادفورد^۱ برای تولیدات فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی محاسبه شد. با توجه به شکل (۲) «متافلسفه»، «سنتز» و «فلسفه امروز» جزء مجلات هسته این حوزه قرار دارند. بررسی باروری نویسندگان حوزه فلسفه علوم اجتماعی و انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ به منظور تعیین مجلات هسته در یک حوزه موضوعی از قانون برادفورد استفاده می‌شود. مجلات هسته یعنی تعداد اندکی از مجلات در یک حوزه، بیشترین تعداد مدارک علمی را منتشر می‌کنند.



شکل ۳. فراوانی توزیع مدارک علمی بر اساس قانون لوتکا

طبق قانون باروری علمی لوتکا، بین تعداد نوشته‌ها و تعداد افرادی که نوشته‌ها را به وجود می‌آورند نوعی رابطه معکوس وجود دارد. به این ترتیب که تعداد بسیاری از افراد، تعداد کمی نوشته تولید می‌کنند یا تعداد اندکی مؤلف تعداد زیادی مقاله تولید می‌کنند (کرمی، حمیدی و گیتی، ۱۳۹۷، ۴۸).

با توجه به شکل (۳) قانون لوتکا در مورد تولیدات علمی حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی برقرار است.

توزیع مدارک نویسندگان فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی



شکل ۴. توزیع انتشار مقالات نویسندگان حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی براساس بازه زمانی

همان گونه که شکل (۴) نشان می‌دهد PETERS MA و TESAR M با ۴۱ و ۲۵ مقاله پرکارترین نویسندگان در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی بوده‌اند.

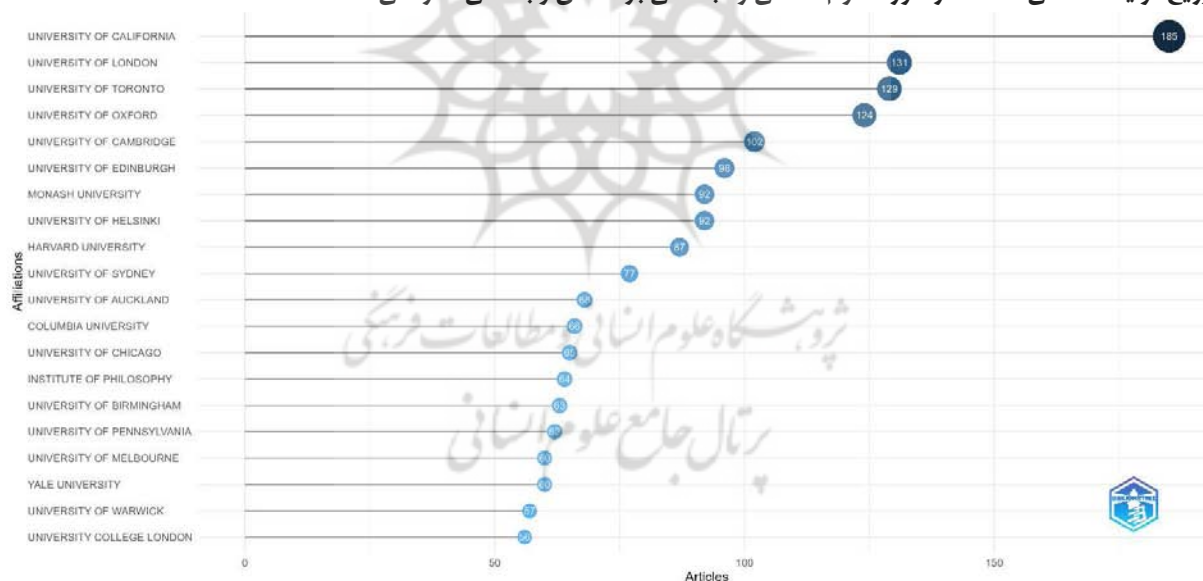
پراکندگی جغرافیایی مطالعات فلسفی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی



شکل ۵. نقشه همکاری علمی کشورها در مطالعات فلسفه حوزه علوم انسانی و اجتماعی

همان گونه که شکل (۵) نشان می‌دهد بیشترین همکاری علمی در این حوزه میان کشورهای آمریکای شمالی و اروپا رخ داده هر چند که اطلاعات نقشه حاکی از همکاری بین‌المللی گسترده در این حوزه است.

توزیع تولیدات علمی فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بر اساس وابستگی سازمانی

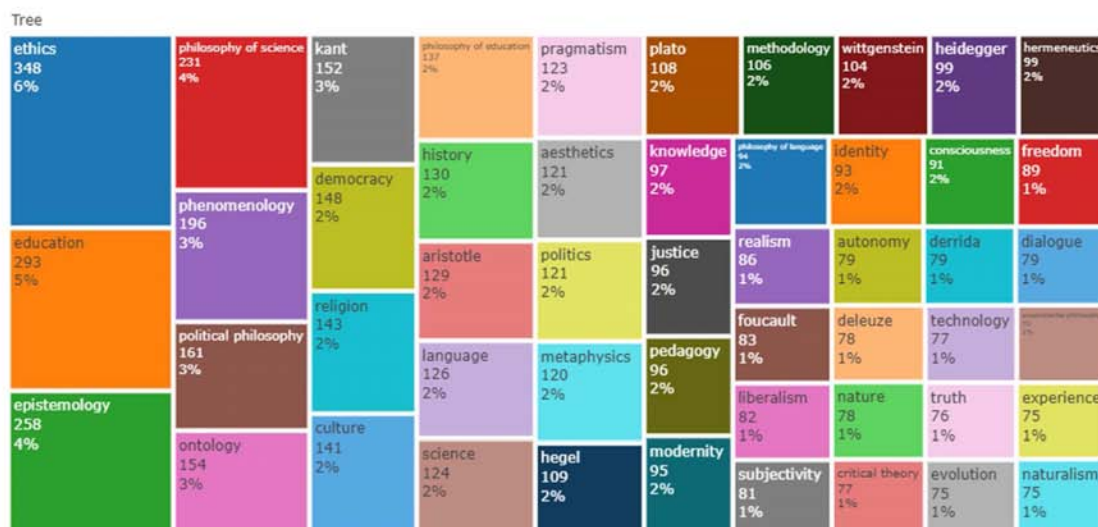


شکل ۶. سازمان‌های برتر بر اساس تولید علمی در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی

با توجه به شکل‌های (۶) پرکارترین و برجسته‌ترین سازمان‌ها از ۱۸۰۳ سازمان درگیر تحقیق، دانشگاه کالیفرنیا و پس از آن دانشگاه لندن و تورنتو با فراوانی ۱۸۵، ۱۳۱ و ۱۲۹ در حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی هستند.

کلمات کلیدی با بیشترین فراوانی

در این بخش اطلاعاتی در مورد رابطه بین کلمات کلیدی ارائه شده است. محققان چندین کلمه کلیدی را در مقالات وارد می‌کنند. این تجزیه و تحلیل برای تعیین روند تحقیق، شناسایی شکاف‌ها در بحث فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی و شناسایی حوزه‌هایی که می‌توانند به عنوان حوزه‌های تحقیقاتی جالب باشند، ضروری است.



شکل ۷. نقشه درختی کلید واژه‌های حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی (۱۹۸۴-۲۰۲۲)

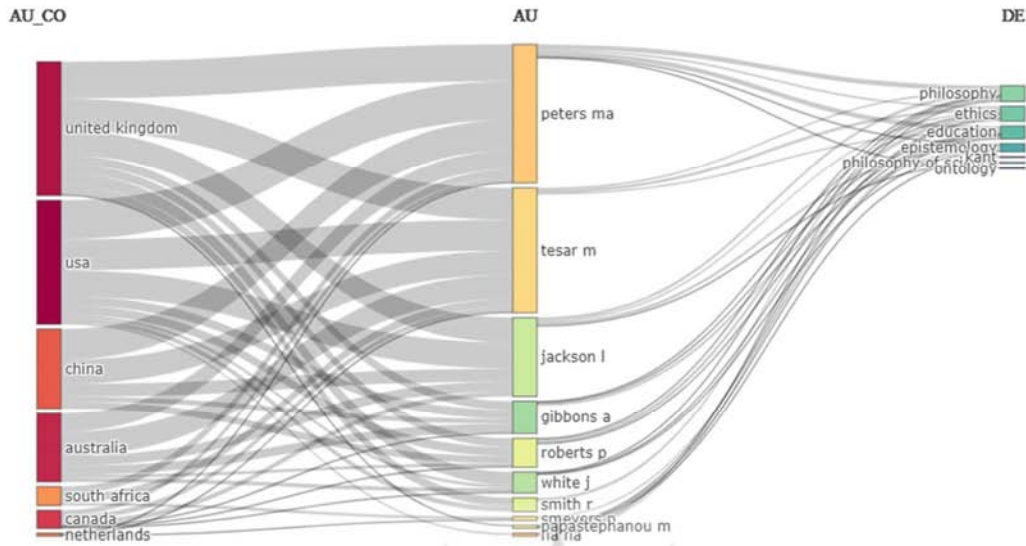
نقشه درختی، شکل (۷) کلمات کلیدی با بالاترین فراوانی در مدارک علمی حوزه فلسفه را نشان می‌دهد. اخلاق با ۳۴۸ مورد (۶ درصد)، و پس از آن آموزش با ۲۹۳ مورد (۵ درصد) و معرفت‌شناسی با ۲۵۸ مورد (۴ درصد) بیشترین فراوانی را داشتند.

ساختار مفهومی حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی

در شکل (۸) نمودار سانکی^۱ برای نویسندگان، کشورها و کلمات کلیدی در حوه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی ترسیم شده است. ستون سمت چپ نشان‌دهنده کشورهایی است که وابستگی نویسنده بیشتری دارند، ستون وسط نشان‌دهنده نویسندگانی است که از آن کشورها مشارکت می‌کنند، و ستون سمت راست بیشترین کلمات کلیدی مورد استفاده را در حوزه فلسفه نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ نمونه‌ای از نمودار جریان است که در آن پهنای فلش‌ها با مقدار جریان متناسب نشان داده می‌شود. این نمودار گونه‌ای نمودار جریان است که برای مصورسازی جریان داده و حجم در بین گره‌ها استفاده شد. هرچه خطوط پهن تر باشند، گره‌ها به هم نزدیک تر هستند (آریا و کوکورا، ۲۰۱۷).



شکل ۸. نمودار سانکی داده‌های فلسفه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

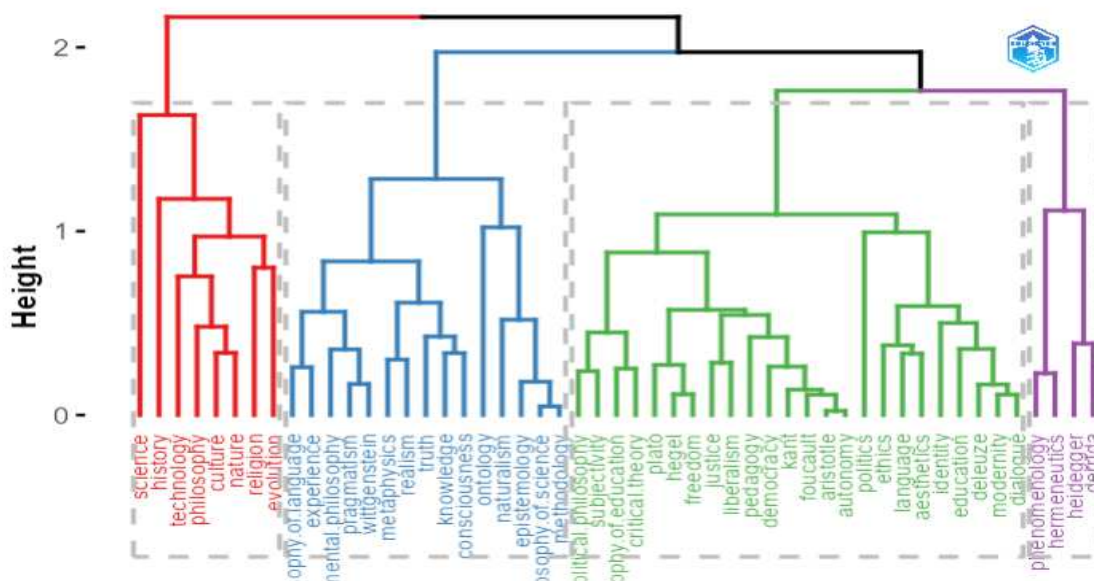
تجزیه و تحلیل نشان داد که محققان علوم انسانی و اجتماعی به کلمات کلیدی مربوط به فلسفه مانند اخلاق توجه متفاوتی داشته‌اند. همچنین انگلستان و آمریکا وابستگی نویسنده بیشتری دارند. با مشاهده ضخامت خط اتصال از کشوری به نویسنده دیگر، می‌توان دریافت که Peters مشارکت‌کننده اصلی با اکثر کشورها نظیر انگلستان، آمریکا، چین، استرالیا و آفریقای جنوبی در انتشار تولیدات علمی در حوزه فلسفه همکاری و مشارکت دارد.

نمودار راهبردی و خوشه‌بندی پژوهش‌های حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی

به منظور شناسایی ساختار فکری حاکم بر مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی ارتباط مفهومی واژگان کلیدی مورد نظر تحلیل شد،

که نهایتاً منجر به شکل‌گیری چهار خوشه موضوعی با عناوین: خوشه نخست علم و دین؛ خوشه دوم واقع‌گرایی، طبیعت‌گرایی و عمل‌گرایی؛

خوشه سوم فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت؛ و خوشه چهارم پدیدارشناسی و هرمنوتیک گردید (شکل ۹).



شکل ۹. دندروگرام حاصل از خوشه‌بندی سلسله مراتبی به روش هم‌واژگانی

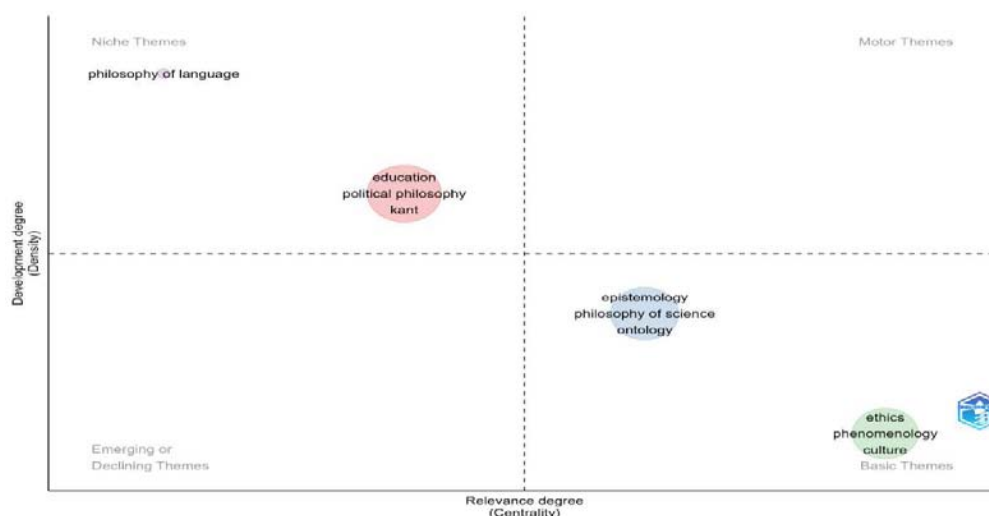
همان گونه که شکل (۹) نشان می‌دهد، پژوهش‌های این حوزه به چهار خوشه تقسیم شده که خوشه‌های چهار با ۴ کلیدواژه و خوشه یک با ۸ کلیدواژه کمترین تعداد کلیدواژه را دارند و خوشه‌های دو و سه با ۱۵ و ۲۴ کلیدواژه بیشترین تعداد کلیدواژه را به خود اختصاص دادند. جهت کسب بینش جامع‌تر و بهتر پیرامون ساختار موضوعات حوزه فلسفه از نمودار راهبردی بهره گرفته شد. بر این اساس جدول (۳) تراکم و مرکزیت خوشه‌های حاصل از تحلیل هم‌واژگانی و شکل (۱۰) نمودار راهبردی پژوهش‌های حوزه فلسفه را نشان می‌دهد.

جدول ۳. تراکم و مرکزیت خوشه‌های حاصل از تحلیل هم‌واژگانی

خوشه	مرکزیت	تراکم
Science and religion	۰/۰۰۹۷۵۴۱۲۷	۰/۹۸۵۵۰۳۳۶۳
Pragmatism and naturalism	۰/۰۱۱۸۱۶۹۰۸	۰/۸۹۷۴۸۹۶۶۳
Philosophy and theory of education	۰/۰۱۸۹۷۴۹۱	۰/۷۶۲۴۸۲۲۶۳
Phenomenology and Hermeneutics	۰	۱/۰۶۳۸۲۹۷۸۷

بر این اساس خوشه‌های «دین و علم» و «عمل‌گرایی و طبیعت‌گرایی» دارای بیشترین مرکزیت هستند. این بدین معناست که خوشه «دین و علم» بیشترین مرکزیت را چه از نظر نفوذ و ارتباط با سایر موضوعات و همچنین پیونددهی در بین سایر واژگان کلیدی دارا می‌باشد. شکل (۱۰) نمودار راهبردی مربوط به خوشه‌های حاصل از تحلیل هم‌واژگانی در حوزه فلسفه را نشان می‌دهد. در این نمودار اغلب از محور افقی جهت ارائه مرکزیت (میزان همبستگی خوشه‌ها) و از محور عمودی جهت ارائه تراکم (میزان توان ارتباط درونی هر خوشه) استفاده می‌شود (ابراهیمی و اسدنی، ۱۴۰۱). در نمودار خوشه‌هایی که در بخش اول قرار می‌گیرند دارای مرکزیت و تراکم بالایی هستند، این خوشه‌ها بالغ بوده و در مرکز حوزه پژوهی مورد مطالعه قرار دارند. خوشه‌های قرار گرفته در بخش دوم مرکزی نیستند اما خوش تو سعه هستند. خوشه‌های قسمت سوم حاشیه‌ای بوده و توجه کمی را به خود جلب می‌کنند و خوشه‌های قرار گرفته در بخش چهارم هر چند مرکزی هستند اما هنوز به مرحله بلوغ و توسعه نرسیده‌اند (هو و همکاران، ۲۰۱۳).

¹. Hu and et al



شکل ۱۰. نمودار راهبردی خوشه‌های حاصل از تحلیل هم‌واژگانی حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی

در ربع یک و سه نمودار، خوشه‌ای قرار ندارد. خوشه‌های دوم (عمل‌گرایی و طبیعت‌گرایی) و خوشه سوم (فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت) در ربع دوم قرار گرفته‌اند که نشان دهنده توسعه یافتگی این خوشه‌ها می‌باشد و خوشه‌های اول (علم و دین) و خوشه چهارم (پدیدارشناسی و هرمنوتیک) در ربع چهارم نمودار راهبردی که این خوشه‌ها محوری بوده، لکن توسعه نیافته هستند.

بحث

فلسفه به ما چگونه اندیشیدن را می‌آموزد و از طرفی به رشته‌های علمی در معرفت‌شناسی کمک شایانی می‌کند. از این جهت پرداختن به فلسفه رشته‌های علمی یکی از علائق پژوهشگران است. علوم انسانی و علوم اجتماعی به دلیل سر و کار داشتن با موجود پیچیده‌ای به نام انسان قاعدتاً باید از مبانی فلسفی قوی برخوردار باشند تا بتوانند به پرسش‌های بی‌پایان زندگی آدمی پاسخ دهند. نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که در سال‌های اخیر و به طور خاص با آغاز قرن ۲۱م انتشار منابع فلسفی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با رشد مواجهه شده است. این امر جدای از ماهیت علم که حالت افزایشی دارد و پرایس^۱ (۱۹۶۳) در اثر فاخر خود «علم کوچک، علم بزرگ» به آن اشاره کرده و بیان می‌کند منابع علمی هر ۱۵ سال دو برابر می‌شوند به عوامل دیگری هم وابسته است. از جمله می‌توان به تغییرات سبک زندگی و اجتماعی بوجود آمده در قرن جدید که نتیجه فناوری‌های نوظهور است، اشاره کرد. فناوری‌های جدید اگر چه راحتی در زندگی را به همراه داشته‌اند اما سبب پیدایش سؤالات جدی در آدمی در ارتباط با فلسفه زندگی نیز گشته‌اند. محققان علوم انسانی و علوم اجتماعی برای پاسخ به چنین سؤالاتی مانند هدف خلقت و جایگاه خداوند، که فلاسفه به آنها سؤالات بزرگ می‌گویند (چی و کونیکس^۲، ۲۰۲۲) به فلسفه رو آورده و به طور اخص پیشگامان این حوزه متخصصان علوم تربیتی هستند. مقاله اسدنیاء، مکی زاده و ابراهیمی (۱۴۰۲) نیز نشان از افزایش انتشارات در حوزه کلی فلسفه دارد و با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

مجله «سنتز» پربارترین مجله در حوزه پژوهشی مورد بررسی است. این نشریه در مقاله اسدنیاء، مکی زاده و ابراهیمی (۱۴۰۲) نیز جزء سه نشریه برتر فلسفه ذکر شده است. دو نشریه دیگر «فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت» و «فلسفه تعلیم و تربیت» که بیشترین سهم را در انتشار آثار فلسفی علوم انسانی و اجتماعی داشتند دو نشریه مربوط به حوزه علوم تربیتی هستند. این امر نشان می‌دهد که متخصصان حوزه تعلیم و تربیت پیش از سایر محققان علوم انسانی و اجتماعی به اهمیت فلسفه در پاسخگویی به سؤالات بنیادی پی برده‌اند. نکته جالب اینکه از سه نشریه فوق تنها نشریه «سنتز» در میان نشریات هسته فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی است و دو نشریه دیگر «متافلسفه» و «فلسفه امروز» هستند. در

1. Price

2. Chi and Conix

تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد اگر چه محققان علوم تربیتی توانسته‌اند سهم بیشتری در تولید آثار علمی فلسفی داشته باشند اما تولیدات و نشریات این حوزه از قوام بالایی جهت قرارگیری در مرکز توجه محققان فلسفی علوم انسانی و اجتماعی برخوردار نبودند یا اینکه این محققان چنان تخصصی به مسائل فلسفی پرداخته‌اند که کمک چندانی به دیگر محققان علوم انسانی و اجتماعی نمی‌کند و لاجرم این محققان مراجعه کمتری به نشریات حوزه علوم تربیتی دارند.

شناسایی نویسندگان پرتولید و اثرگذار، در زمینه‌های علمی؛ جهت باروری هر چه بهتر و بیشتر ساختارهای فناوری و پژوهشی کمک می‌کند. نتایج حاضر نیز نشان داد که قانون لوتکا در ارتباط با تولیدات علمی فلسفی علوم انسانی و اجتماعی صادق است یعنی تعداد اندکی از نویسندگان بخش زیادی از مقاله‌های علمی را منتشر ساخته‌اند. در حالی که بخش زیادی از آنها تعداد اندکی از مقاله‌ها را منتشر کرده‌اند. این بخش در راستای یافته‌های پژوهش گیتی و همکاران (۱۴۰۱) است که نشان دادند الگوی همکاری میان پژوهشگران دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی از قانون توزیع لوتکا پیروی می‌نماید. همچنین، یافته‌های صفری و صفری^۱ (۲۰۲۲) در موضوع ادبیات فارسی در بین پژوهشگران ایرانی نشان داد که شاخص بهره‌وری از قاعده لوتکا تبعیت می‌کند. با بررسی پژوهش‌های پیش گفته این گونه می‌توان برداشت نمود که از مهمترین دلایل این پدیده، تنازع بقا در محیط‌های پژوهشی و همچنین پرتولید بودن ماهیت برخی از حوزه‌ها است که به صدق کردن قاعده لوتکا در چنین پژوهش‌هایی انجامیده است.

همان گونه که در بخش یافته‌ها اشاره شد دو نویسنده به نام‌های TESAR M و PETERS MA بیشترین سهم را در تولید منابع علمی این حوزه داشتند. شناخت این افراد به طور خاص به پژوهشگران نوپا در شناخت روندهای پژوهشی کمک شایانی است. بررسی همکاری‌های علمی این حوزه نشان داد که کشورهای آمریکای شمالی و اروپا همکاری بسیاری در تولیدات علمی با یکدیگر داشته و دانشگاه کالیفرنیا، دانشگاه لندن و دانشگاه تورنتو بیشترین وابستگی سازمانی اعلام شده در منابع علمی این حوزه بوده است. نتایج مطالعه گوتز-روبیو و همکاران (۲۰۱۹) و سوفیان، عبدالله و حفیر (۲۰۲۲) مؤید این نکته بود که انگلستان و آمریکا بیشترین همکاری و پربازده‌ترین کشورها در تولیدات مدارک علمی حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی هستند. رکوردهای موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی دارای فیله‌های متفاوتی هستند که هر کدام حاوی یک فقره از اطلاعات کتابشناختی مدارک می‌باشد. فیله‌های عنوان، چکیده، کلید واژه و موضوعات کنترل شده یا توصیفگرها برای انجام تحلیل‌های موضوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (عصاره، توکلی زاده راوری، بیگدلی و قضاوی، ۱۳۹۷). بر این اساس کلماتی که فراوانی زیادی در کلیدواژه‌های مدارک داشته باشند اهمیت آن حوزه و موضوع را در فلسفه علوم انسانی و اجتماعی نشان می‌دهند و کلماتی که فراوانی کمی دارند، می‌تواند بیانگر شکاف‌ها و ضعف‌های پژوهشی در آن بخش باشد. بررسی کلمات کلیدی به منظور آشکار ساختن ساختار مفهومی پژوهش‌های فلسفی علوم انسانی و اجتماعی نشان داد که کلمات «اخلاق»، «آموزش» و «معرفت‌شناسی» بیشترین تکرار را داشته‌اند که نشان از اهمیت این مباحث دارد. اخلاق کلید واژه‌ای است که در سال‌های اخیر به کرات در پژوهش‌های علوم انسانی به آن پرداخته شده (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳؛ امین بیدختی و زارع، ۱۳۸۹). از آن جا که «علم اخلاق» شاخه‌ای از «فلسفه عملی» است فراوانی و مرکزیت بالاتر اخلاق مورد انتظار است. دو دانش اخلاق و معرفت‌شناسی سال‌ها در کانون توجه دانشمندان بوده‌اند و مبانی و مسائل آن‌ها محل مذاقه و مباحثه آنان بوده است (جوادیپور، ۱۳۹۰).

علاوه بر این موارد مطرح شده تغییرات بوجود آمده در زندگی امروزی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی که بر زندگی روزمره سایه انداخته است، باعث شده است که دائما با تصمیم یا داوری اخلاقی مواجه باشیم. فلسفه اخلاق دانشی است مربوط به انواع تصمیم‌گیری‌ها و داوری‌های روزمره. فلسفه اخلاق از روش تأمل آگاهانه درباره تشخیص درست از نادرست، عدل از ظلم و خوب از بد سخن می‌گوید. و فراتر از آن، فلسفه اخلاق تلاشی است برای فهم چگونگی زیستن است. برتری این موضوع در حوزه مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی دور از ذهن نیست. در پژوهش اسدنیا، مکی زاده و ابراهیمی (۱۴۰۲) همسو با این پژوهش موضوع اخلاق غالب بوده است. از دیگر یافته‌های پژوهش برتری موضوع آموزش در فلسفه بود. مسئله آموزش طی قرن‌های متمادی ذهن فلاسفه را به خود مشغول داشته‌است: به عقیده برخی از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده‌است. هیچ جامعه‌ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند. لذا در حوزه فلسفه هم این موضوع اهمیت خود را نشان داده است. نتایج تحلیل نمودار دندروگرام و نمودار راهبردی بر پایه تحلیل کلمات کلیدی مشخص ساختن که چه حوزه‌های موضوعی بر فضای کلی فلسفه حاکم هستند و از چه موضوعاتی غفلت شده است. نتایج تحلیل نمودار دندروگرام منجر به شکل‌گیری ۴ خوشه موضوعی گردید.

1. safari and safari

خوشه ۱: علم و دین نامگذاری گردید. این خوشه از کلیدواژه‌های علم، تاریخ، فناوری، فرهنگ، طبیعت، مذهب و تکامل تشکیل شده است. از دیگر سو رابطه دین و عقل همواره در تاریخ تفکر بشری بحث برانگیز بوده است و از آنجا که آشکارترین ظهور عقل در فلسفه رخ داده بحث دین به فلسفه نیز کشیده شده است (مدرسی و اشکوری، ۱۳۹۴).

خوشه ۲ با نام طبیعت‌گرایی و عمل‌گرایی از کلیدواژه‌های زبان، تجربه، فلسفه ذهن، عمل‌گرایی، ویتگنشتاین، متافیزیک، رئالیسم، واقعیت، دانش، آگاهی، هستی‌شناسی، طبیعت‌گرایی، معرفت‌شناسی، فلسفه علم و روش‌شناسی تشکیل شده است. طبیعت‌گرایانی که متافیزیک را به عنوان معرفت‌پیشینی و مقدم بر علم نمی‌پذیرند هر چند که برای توجیه دیدگاه خود چاره‌ای جزء توسل به متافیزیک ندارند (بیابانکی، ۱۳۹۷). معرفت‌شناسی یا نظریه شناخت یا شناخت‌شناسی در کنار متافیزیک (مابعدالطبیعه) و فلسفه اخلاق سه بخش اصلی فلسفه را تشکیل می‌دهد. معرفت‌شناسی یکی از غامض‌ترین و انتزاعی‌ترین حوزه‌های فلسفی به‌شمار می‌آید. شاید دلیل اصلی دشواری این مباحث آن باشد. در این که معرفت‌شناسی با فلسفه چه رابطه‌ای دارد، برخی قائل هستند که معرفت‌شناسی در میان علوم انسانی و دانش‌های بشری نقش زیر بنایی داشته و بر تمام آنها مقدم بوده و مسائل فلسفی نیز متفرع بر آن می‌باشد (جبرئیلی، ۱۳۷۶).

خوشه سوم با عنوان فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت از کلیدواژه‌های فلسفه سیاسی، ذهنیت، فلسفه آموزشی، تئوری انتقادی، افاطون، هگل، آزادی، عدالت، لیبرالیسم، آموزش و پرورش، دموکراسی، کانت، فوکو، ارسطو، خودمختاری، سیاست، اخلاق، زبان، زیبایی‌شناختی، هویت، آموزش، دلوژ، مدرنیسم و گفتگو تشکیل شده است. در تبیین این خوشه می‌توان گفت علوم تربیتی یکی از شاخه‌های مهم در علوم انسانی و اجتماعی است و ارتباط تنگاتنگی بین تعلیم و تربیت و مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی وجود دارد و تاثیر این مبانی بر نظریات، اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت به خوبی مشهود است (مهرجو و سرمدی، ۱۴۰۱). بیراه نیست که این خوشه به خوبی مفاهیم اساسی که باید در آموزش و پرورش به آن توجه شود همچون آزادی، استقلال در یادگیری، اخلاق و عدالت را نشان می‌دهد.

خوشه چهارم با عنوان پدیدارشناسی و هرمنوتیک از چهار کلیدواژه پدیدارشناسی، هرمنوتیک، هایدگر و دریدا تشکیل شده است. بررسی نحوه ارتباط هر علمی با علوم دیگر و همپایه خود از مسائل فلسفه‌های مضاف آن علم است، بنابراین رابطه میان هرمنوتیک و علوم انسانی و اجتماعی از وظایف فلسفه علوم انسانی است. هرمنوتیک‌هایی مانند دیلتای علوم انسانی را علوم و رشته‌هایی که واقعیت تاریخی-اجتماعی را موضوع تحقیق خود قرار می‌دهند می‌دانند و در توضیح آن می‌گویند عامل انسجام بخش این علوم و رشته‌ها کلیت خودآگاهی انسان است، زیرا انسان بیش از هر چیز در درون خود آگاهی، اراده، مسئولیت در برابر افعالش و قابلیت اندیشیدن را در می‌یابد و این امر است که وی را از طبیعت جدا می‌کند (دیلتای، ۱۳۸۸ نقل در فیاضی، ۱۳۹۷). از طریق پدیدارشناسی و تفسیر و تاویل پدیده‌ها در علوم انسانی می‌توان به ماهیت تفاوت پدیده‌های مشابه با آثار متفاوت پی برد.

در ربع اول و سوم نمودار راهبردی خوشه‌ای قرار نگرفت، بدین معنی هیچ کدام از خوشه‌های پژوهشی حوزه فلسفه در علوم انسانی و اجتماعی بالغ، نوظهور یا روبه زوال نیستند. در ربع دوم خوشه «عمل‌گرایی و طبیعت‌گرایی» و خوشه «فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت» قرار گرفتند که نشان دهنده توسعه یافتگی این خوشه‌هاست اما توسعه آنها جدا از دیگر خوشه‌های پژوهشی این حوزه رخ داده و در واقع محققین متمرکز بر این خوشه‌ها بی تفاوت نسبت به رشد سایر حوزه‌های پژوهشی نسبت به توسعه و پژوهش در این خوشه مشغول بودند. در ربع چهارم دو خوشه «علم و دین» و «پدیدارشناسی و هرمنوتیک» قرار گرفتند که حکایت از مرکزی بودن این خوشه‌ها دارد اما هنوز این دو خوشه به توسعه و تکامل کافی نرسیدند.

نتیجه گیری

فلسفه را می‌توان یکی از نخستین و جذابترین زمینه‌های فکری مورد توجه انسان دانست. داشتن نگاه فلسفی در پرداختن به مسائل انسانی به طور قطع باعث خواهد شد تا محققین با جهان بینی و نگاهی وسیع‌تر به مفاهیم و پدیده‌ها نگاه کنند. با استفاده از نتایج برگرفته از این پژوهش می‌توان از وضعیت جاری، موضوعات پژوهشی و رابطه بین آنها، اصطلاحات مهم حوزه مطالعات فلسفی حوزه علوم انسانی و اجتماعی تحلیل‌های واضح و قابل قبولی را ارائه داد. همچنین، کاربران و پژوهشگران بهتر می‌توانند از وضعیت پژوهشی و موضوعی این حوزه آگاهی یابند. پژوهش حاضر نشان داد که تولید منابع فلسفی در علوم انسانی و علوم اجتماعی به عنوان علوم مادر در حل مسائل جوامع بشری افزایش داشته که نشان دهنده پی بردن محققان این حوزه در توانایی فلسفه در حل مسائل است. همچنین این رشد حداقل نشان می‌دهد که رشته فلسفه و موضوعات وابسته به صورت ظاهری دچار عدم پیشرفت نیست.

هر چند که بررسی مجلات برتر نشان داد که حوزه علوم تربیتی نقش بیشتری در این حوزه دارد اما قرار نگرفتن مجلات حوزه علوم تربیتی در میان مجلات هسته نشان می‌دهد که این حوزه نقش راهبری در مطالعات فلسفی در علوم انسانی و اجتماعی را بر عهده ندارد و پرداختن به مسائل

فلسفی حوزه علوم انسانی و اجتماعی به نوعی دغدغه تمامی محققین حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. برخی از حوزه های مهم و مرتبط با موضوع حوزه پژوهش مانند پدیدارشناسی (جامعه‌شناسی)، احساس‌گرایی، انسان‌شناسی فلسفی، هستی‌شناسی و غیره تحقیقات کمتری انجام شده است، که با توجه به نتایج پژوهش‌ها در این حوزه‌ها می‌توان در تدوین سیاست‌های راهبردی این حوزه و توسعه آن بر اساس نقاط قوت و ضعف و احتمالاً تقویت نقاط ضعف استفاده کرد. جهت روشن‌تر شدن وضعیت موضوعی این حوزه پیشنهاد می‌شود انجام اینگونه پژوهش‌ها با استفاده از دیگر روش‌های علم سنجی مانند تحلیل استنادی، بررسی هم‌نویسندگی و ترسیم نقشه علمی آن با دیگر روش‌ها و نرم افزارهای موجود می‌تواند تکمیل‌کننده این پژوهش باشد. با توجه به اینکه جامعه این پژوهش منابع خارجی بودند، مشابه این تحقیق را می‌توان در منابع داخلی انجام داد.

در نهایت با وجود نقاط قوت علمی، این مقاله بدون محدودیت نیست. داده‌های مورد نیاز از پایگاه داده اسکوپوس جمع‌آوری شد. در نتیجه، کاستی‌های پایگاه داده ممکن است بر یافته‌های این تحقیق تأثیر بگذارد. علاوه بر این، نتیجه‌گیری‌های گزارش شده در این کار پویا هستند و در طول زمان متفاوت خواهند بود زیرا تحقیقات در مورد فلسفه علوم انسانی و اجتماعی در حال رشد هستند. در نتیجه، یک بازنگری سیستماتیک برای شناسایی و بررسی همه جانبه حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی مورد نیاز است. علاوه بر این، بررسی بیشتر در مورد خوشه‌های حوزه‌های اخلاق و معرفت‌شناسی به طور اخص مورد نیاز است. همچنین در مطالعه‌ای مستقل حوزه فلسفه با روش‌های هم‌استنادی و مدل‌سازی موضوعی مورد بررسی قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

از کلیه افرادی که در انجام پژوهش حاضر همکاری نمودند و همچنین همکارانی که با نقطه نظرات ارزشمند خود بر غنای اثر حاضر افزودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

References

- Alexis, C. (2005). *the man, the unknown*. (Translated by Inayatullah Shakibapour). Tehran: Donya-ye Ketab
- Amin Bidokhti, A.A; Zare, M. (2010). Ethics in research: concepts, challenges and solutions. *Bulletin*. 63, 69-92.
- Aria. M.. & Cuccurullo. C. (2017). bibliometrix: An R-tool for comprehensive science mapping analysis. *Journal of informetrics*, 11(4), 959-975.
- Asadnia, A; Cheshmeh Sohrabi, M. (2020). Place of knowledge and information science in the tree of knowledge. *Studies in Library and information science*. 12 (1), 73-90. [In persian].
- Asadnia, A; Makkizadeh, F; Ebrahimi, F. (2023). Investigating the status of scientific productions and the co-occurrence of words in the field of philosophy based on articles indexed in the Web of Science database. *Philosophy of science*. 13 (1), 1-27. [In persian].
- Baas. J.. Schotten. M.. Plume. A.. Côté. G.. & Karimi. R. (2020). Scopus as a curated. high-quality bibliometric data source for academic research in quantitative science studies. *Quantitative science studies*, 1(1), 377-386.
- Barzegar, E. (2007). *Interdisciplinary studies in Iran*. Tehran: Allameh Tabatabai University. [In persian].
- Biabanaki. M. (2019). A Critical Survey to Scientific Naturalism Considering the Relation between Science and Metaphysic. *The knowledge studies in the Islamic University*. 22 (77), 503-518. [In persian].
- Callon, M., Courtial, J. P., Turner, W. A., & Bauin, S. (1983). From translations to problematic networks: An introduction to co-word analysis. *Information (International Social Science Council)*, 22(2), 191-235.
- Chi. P. S.. & Conix. S. (2022). Measuring the isolation of research topics in philosophy. *Scientometrics*, 127(4), 1669-1696.
- Constantine. L. S. (2014). Understanding the linkages in organizational and human relations: a review of social network analysis. *The Qualitative Report*, 19(1), 1-22.
- Ebrahimi. F.. & Asadnia. A. (2023). Scientometric analysis of futures studies articles published in Iranian scientific journals. *Defensive Future Studies*, 7(27), 35-62. [In persian].

- Ebrahimi, V. (2014). Investigating the interdisciplinary status of knowledge management through the comparison of thematic maps of related documents. Master's thesis. Yazd University. [In persian].
- Elsevier (2023). <https://www.elsevier.com/solutions/scopus/how-scopus-works/content>
- Fadaie, Gh. (2008). An introduction to the recognition of archival documents. Tehran: SAMT. [In persian].
- Fayazi, M. (2018). The Relation between Humanities and Methodological Hermeneutics. *Qabasat*, 23(87), 138-169.
- Gao, X., Huang, S., Lucev, B. M., Vigne, S., & Corbet, S. (2018). An Analysis of the Intellectual Structure of Research on the Financial Economics of Precious Metals. *Resources Policy*, 63, 101416.
- Gharamaleki, A. (2004). origin of research ethics. *Ayene-ye Miras*, 2 (4), 133-151. [In persian].
- Giti, A., Golchin, M., Feizabadi, M., Faraii, Z., & Zarei, A. (2022). Examining the Scientific Output of the University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences in the Scopus Database Compared to Tier 2 Universities. *Archives of Rehabilitation*, 23(2), 218-239. [In persian].
- Gutiérrez-Rubio, D., Maz-Machado, A., León-Mantero, C., Madrid-Martín, M.J. (2019). A Scientometric study of The Journal of Philosophy of Education. *International Journal of Development Research*. 9 (3), 26754-26758.
- Hadovina, A. A., & Ali Tabar, R. (2020). Philosophical Foundations of Interdisciplinary Studies in Islamic Humanities with Emphasis on Sadra School. *Philosophy of Religion*, 17(3), 489-515. [In persian].
- Hu, C.P., Hu, J.M., Deng, S.L., & Liu, Y. (2013). A co-word analysis of Library and Information Science in China. *Scientometrics*, 97(2), 369- 382.
- Jabraili, M.S. (1997). Bibliography of knowledge. Faslnameh Nameh Mofid. No 9, 227-246. [In persian].
- Javadpoor, Gh (2011). The Ethics of belief, an approach to the connection between morality and epistemology. *Pazhuhesh name-e Akhlagh*. 4 (11), 55-84. [In persian].
- Jin, R. Zuo, J. & Hong, J. (2019). Scientometric review of articles published in ASCE's journal of construction engineering and management from 2000 to 2018. *Journal of Construction Engineering and Management*, 145(8), 06019001
- Karami, S., Hamidi, Y., & Gittv, A. (2018). Copyright (Bradford) and Bradford Law on Scientific Productions by Scopus Database of Hamadan University of Medical Sciences Researchers. *Journal of Knowledge Studies*, 11(40), 46-57. [In persian].
- Khorsandi Taskoh, A. (2008). *Interdisciplinary discourse of knowledge: theoretical foundations, typology and policies for action in education*. Tehran: Institute for Cultural, Social and Civilization Studies. [In persian].
- Lin, B., & Su, T. (2020). Mapping the oil price-stock market nexus researches: A scientometric review. *International Review of Economics & Finance*, 67, 133-147.
- Mansouri, A. R., & Pava, A. (2019). Philosophical Relationship of Humanities and Technology. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 25(99), 19-23. [In persian].
- Mehrioo, P., Sarmadi, M. (2022). The quiddity of philosophical foundations of teaching in teaching-learning strategies. *Theory & Practice in Curriculum Journal*, 10(19), 91-118. [In persian].
- Modaresi, M.R., Ashkevari, M. (2015). The relationship between religion and philosophy. *Ma'rifat Falsafi*. 12 (3), 147-163. [In persian].
- Nalimov, V. V., & Mul'chenko, Z. M. (1971). Measurement of Science. Study of the Development of Science as an Information Process (No. FTD-MT-24-835-71). *Foreign Technology Div Wright-Patterson AFB Ohio*.
- Osareh, F., Tavakolizadeh-Ravari, M., Bigdeli, Z., & Ghazavi, R. (2018). Study of Similarities of Terms in Title, Author's Keywords and Controlled Vocabulary for Determining the Appropriate Field in Scientometric Thematic Analysis. *Health Information Management*, 15(5), 220-225. [In persian].
- Parsania, H. (2013). Human sciences are related to human will, not abstract sciences. *Quarterly of Islamic Humanities*. 2 (1).
- Price, D. (1963). Little science, big science, New York: Columbia University Press. *Science*, 149(3683), 10-515.
- Rahadost, F. (2007). *Philosophy of librarianship and information*. Tehran: Ketabdar. [In persian].
- Sadeghi, A; Nazari, V. (2019). The Philosophy of Social Studies Teaching in Education System of the Islamic Republic of Iran. *The Scientific quarterly Journal of research in social studies Education*. 3 (1), 77-100. [In persian].
- Safari, H., & Safari, J. (2022). Co-authorship network of authors of articles published in scientific Journals of Persian Literature. *Literary Research*, 19(78), 31-43.

- Sofvan, D., Abdullah, K. H., & Hafiar, H. (2022). The philosophy of sport and physical education: Four decade publication trends via scientometric evaluation. *Physical Education Theory and Methodology*, 22(3), 437-449.
- Vogel, R., & Güttel, W. H. (2013). The dynamic capability view in strategic management: A bibliometric review. *International Journal of Management Reviews*, 15(4), 426-446.
- Wani, Z. A., & Zainab, T. (2017). A review of eminence of scientometric indicators in scientific research productivity. *COLLNET Journal of Scientometrics and Information Management*, 11(2), 273-285.
- Yang, Y., Wu, M., & Cui, L. (2012). Integration of three visualization methods based on co-word analysis. *Scientometrics*, 90(2), 659-673.

